

دو لبه شمشیری که Chat نام دارد

در Chat ما ملتی هستیم که شترسوار می شویم، روی هم اسلحه می کشیم و زنانمان

مجبورند به شیوه اسلام مطالبان، صورت خود را هم بپوشانند!

مع هذا، اکنون هم فرصت هایی برای جبران مافات وجود دارد و می توانیم با کوشش برای شناخت پدیده های نو، برای به حداقل رساندن آنها برنامه ریزی کنیم.

من بنا ندارم به اثرگذاری تمامی جنبه های فناوری جدید اطلاع رسانی در جامعه خودمان بپردازم، بلکه فقط به یکی از موارد آن که اخیراً با گستردگی حیرت آوری به درون خانواده ها راه یافته اشاره می کنم. این مورد چت/ chat است.

ابتدا برای نشان دادن سهولت استفاده از این امکان، واقعیتی را که حاصل مطالعه و تحقیق خودم و دیگران است، مطرح می کنم. حتی در خانواده های کم درآمد که تهیه یک رایانه شخصی امکان پذیر نیست، چند جوان با هم شریک می شوند، یک دستگاه رایانه ارزان (دست دوم) می خرند، یک خط اینترنتی را مشارکتی مشترک می شوند و همه آنها می توانند به همه چیزهایی که در اینترنت وجود دارد، دسترسی یابند (بحث کافی نت ها که جای خود دارد). بدین طریق می بینیم که بسیاری از افراد کشور ما اصطلاحاً قادر به چت کردن هستند. اما Chat چیست؟

چت/ chat عبارت است از امکاناتی که اجازه می دهد افراد از صدها هزار کیلومتری با کسانی که در قاره های دیگر ساکن هستند، بدون اینکه یکدیگر را ببینند یا امری را به هم تحمیل کنند، فارغ از رنگ و نژاد و دین و ملیت بتوانند در زمینه های امور مورد علاقه خود با هم کپ بزنند. هر زمان که خواستند قطع رابطه کنند و به عکس، در صورتی که علاقه مند بودند، ارتباط را ادامه دهند. چت را، نه حکومت ها

مرتبط شد و با آنان تبادل نظر و اطلاعات کرد. اگر ده سال قبل کسی می نوشت، یا می گفت این نوع نگرش به فناوری جدید (ممنوعیت ماهواره) نه فقط مظهر و افسگرایی است، بلکه ما را از دقت و



مطالعه بر روی پدیده های نوین و برنامه ریزی برای مقابله با ۱- جنبه های ناهنجار آن ها و ۲- یافتن شیوه های استفاده از بازدهی مثبت این فناوری ها محروم می کند، به هزار و یک گناه، از جمله غرب زده و یا حتی ضد انقلاب بودن متهم می شد.

آن غفلت ها عوارضی به بار آورده و خواهد آورد که ما و فرزندانمان باید تاوان آن ها را بپردازیم.

زهار و ستایی زاده

فناوری نوین ارتباطات خیلی سریع تر و گسترده تر از آنچه تا همین چهار- پنج سال قبل گمان می رفت به درون خانه های ایرانیان راه یافته است؛ آن هم با چنان تنوعی از حیث وسایل و سهولت دسترسی به آنها که سر را به دوار می اندازد.

زمانی نه چندان دور (اردیبهشت ۱۳۷۳)، پس از آن که آقای بشارتی وزیر کشور وقت، استفاده از آنتن ماهواره ای را غیرقانونی اعلام کرد، مجله گزارش نوشت: ... تا چند سال آینده، مسایل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی تحت تأثیر سیستم ماهواره قرار خواهد گرفت و به طور مطلق باید گفت که از نظر تکنولوژی، پیشرفت های چشمگیری حادث خواهد شد و ما قادر به جلوگیری از آن نیستیم... (۱)

ده سال قبل چنین می پنداشتیم که با ممنوعیت استفاده از ماهواره می توانیم از ورود و نفوذ فرهنگ بیگانه به داخل خانه هایمان جلوگیری کنیم. اما اکنون با واقعیتی دیگر مواجه هستیم؛ زیرا نه تنها در بسیاری از خانه های ایرانیان ماهواره، آن هم از نوع دیجیتالی آن، به صورت یکی از وسایل عادی زندگی درآمده، بلکه یک دستگاه رایانه و یک اشتراک اینترنتی (که غیرقانونی هم نیست) در اختیار اعضای خانواده، به ویژه جوان ترهاست. از طریق همین رایانه، می توان به همه چیز و همه جا دسترسی یافت. هرگونه تصویری را دید، هر صدایی را شنید و هر متنی را خواند و با خیلی از انسان های ساکن در کشورها و قاره های دیگر

لباس زنانه بر تن داشت، برایم ایمیل کند. اما باید این موضوع را هم متذکر شوم تا جایی که به تجربه شخصی من مربوط است، عده بسیار کمی از آمریکایی‌ها این افکار را دارند و حتی اگر هم این طور می‌اندیشند، معمولاً حاضر نیستند در مورد مسایل جدی و مهم بحث و تبادل نظر کنند.

باور خارجی‌ها در مورد انسان ایرانی

بیشتر اوقات، وقتی که از طریق Chat با مردم قاره‌های مختلف حرف می‌زنم و احساس آنها را در مورد ایرانی‌ها در می‌یابم، دلم به درد می‌آید و با وجود آنکه عرق ایرانیگری دارم و شاید بتوان گفت ناسیونالیست هستم، اما گاهی در می‌مانم و نمی‌توانم به آنچه آنها می‌گویند، پاسخ منطقی بدهم. مخصوصاً وقتی می‌فهمند من یک زن ایرانی هستم، می‌گویند مردان ایرانی شما زنان را کتک می‌زنند و یا بسیاری از آنها به زنان و دخترانشان زور می‌گویند و زنان از اینکه آنها نمی‌خواهند حرف حق را بپذیرند، حداقل دلخور هستند متأسفانه این واقعیت در موارد زیادی قابل انکار نیست و من اگر بخواهم انکار کنم، دروغ گفته‌ام.

من فمینیست نیستم و با آنکه زن هستم، سعی می‌کنم حقوق مردها را نیز از یاد نبرم. به قول یکی از دوستان ایرانی اینترنتی که وکیل دادگستری هم هست و گاهی با او کپ دوستانه می‌زنم: شاید در ایران حقوق مردها نیز رعایت نمی‌شود و به قول معلم دینی دخترم، طبق قوانین اسلامی زن‌ها وظیفه ندارند حتی کارهای عادی خانه را انجام دهند و باز هم به قول این خانم و هم به قول بسیاری از کارشناسان و پزشکان روان‌شناس یا جامعه‌شناسان که در رادیو و تلویزیون صحبت می‌کنند و دستورالعمل می‌دهند، زن‌ها باید در زمان ورود شوهرشان به منزل، مرتب و منظم باشند، آرایش کنند و لباس خوب بپوشند تا بخشی از حقوق مرد رعایت شود. اما آیا رعایت این حقوق از سوی دو طرف زندگی میسر است؟ آیا من می‌توانم با تفاخر به خارجی‌ها بگویم که طبق دستور اسلام، مرد باید برای انجام امور معمول خانه برای همسرش خدمتکار بگیرد در حالی که در شرایط کنونی مرد اگر بتواند معیشت خانواده را در حداقل فراهم کند، هنر کرده است. از سوی دیگر، آیا لباس خوب پوشیدن و زیورآلات داشتن و آرایش کردن پول نمی‌خواهد، آنهم در وضعیت اقتصادی کنونی

پیامبری پس از مسیح وجود داشته است!

بعضی از آنها حتی باور نمی‌کنند که در ایران کامپیوتر پیشرفته یا اینترنت داشته باشیم و از اینکه روی صفحه مانیتور نامی ایرانی و از مقصد ایران مشاهده می‌کنند، متعجب می‌شوند: (WOW) ابراز تعجب

البته افرادی هستند که از فرهنگ و درک بسیار بالایی برخوردارند؛ مثلاً یک بار که چند نفر با هم در CHATROOM کپ می‌زدیم (البته در اینترنت یک نفر، مرا که ایرانی بودم، مسخره کرد و دیگری نیز با جملاتی از همان سنخ، حرف اولی را ادامه داد ولی یک آمریکایی شروع به دفاع از من ایرانی کرد و تا حد دعواکردن با آنها پیش رفت و حتی به عنوان اعتراض آن اتاق گفت و گو (chatroom) را ترک کرد

یک نظر سنجی با استفاده

از Chat نشان می‌دهد ضعف

تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی ما به

جهانیان، از ملت ایران چه چهره

مسخ شده‌ای در آذهان

ایجاد کرده است

و جداگانه با من به صحبت ادامه داد و گفت: شما اهمیت ندهید، اینها درک پایینی دارند و متوجه خیلی از مسایل نیستند.

جالب بود که یک آمریکایی دیگر، با آن که لباس خانم‌ها را می‌پوشید، از آزادی در کشورش بسیار راضی بود و می‌گفت حاضر نیستم در هیچ کشور دیگری به جز آمریکا زندگی کنم، آن چنان در مورد خدا و وحدانیت او سخن گفت و از اتکا به او و کمک گرفتن از خدا و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی صحبت کرد که باعث شد به او بگویم توان خیلی کسانی که مسلمان به دنیا آمده‌اند و ظاهراً مسلمان هستند، مسلمان تری و اسلام‌درواقی همین است که تو می‌گویی و جز این نیست، گرچه مثل زن‌ها لباس می‌پوشی در حالی که مرد هستی.

یک ماه بعد که بار دیگر با او تماس گرفتم، می‌گفت بیماری سختی داشته و خدا او را شفا داده، به همین دلیل پوشیدن لباس زنانه را کنار گذاشته و به هیچ وجه هم حاضر نشد عکس قبلی خود را که

می‌توانند کنترل کنند و نه سیستم ممیزی و امنیتی. به همین دلیل در چند سال اخیر، با پیشرفت کامپیوتر و اینترنت، مقوله تازه‌ای وارد فرهنگ بسیاری از مردم کشورها شده است. عده‌ای، از این وسایل جدید برای پیشبرد کار و رشته تحصیلی خود استفاده می‌کنند و با جدیدترین‌های دنیا آشنا می‌شوند، گروهی آن را مورد استفاده تجاری قرار می‌دهند و کالاهای خدمات خود را به دیگران عرضه می‌کنند. بخشی از مردم (که البته هنوز بین ایرانیان کاملاً جا نیفتاده است) با آن سفارش خرید می‌دهند و گروهی نیز صرفاً برای کسب آگاهی، سری به سایت‌های مختلف اینترنتی می‌زنند.

یکی از استفاده‌های اینترنت، صحبت کردن با آدم‌های آن طرف مرزهاست. (به اصطلاح Chat یا کپ دوستانه) من ابتدا برای آشنایی با مردم دیگر کشورها و نیز در ضمن تمرین برای فراموش نکردن زبان انگلیسی، وارد این کپ‌های دوستانه می‌شدم، اما به دلیل برخورد با برخی مسایل، تصمیم گرفتم این تماس‌ها را هدفمند کنم. آنچه در زیر می‌خوانید حاصل اجرای این تصمیم است:

هنگامی که تماس برای Chat برقرار می‌شود، بسیاری از نکاتی که آدم‌های آن سر دنیا در کپ‌های اینترنتی با یک ایرانی ساکن ایران مطرح می‌کنند با واقعیت انطباق ندارد و در مواردی، اطلاعات آنها از ایران و زندگی در ایران بسیار غلط و خنده‌دار است. بارها از خود پرسیده‌ام آیا باید آنان را بابت این اطلاعات غلط مقصر بدانم و ریشخندشان کنم؟ و بعد خودم به خودم جواب داده‌ام که آنها چه گناهی دارند؟ وقتی ما بد عمل کرده‌ایم و برای معرفی فرهنگ و تمدن واقعی کشورمان همتی به خرج نداده‌ایم و در عوض گذاشته‌ایم دیگران با بزرگنمایی برخی از جنبه‌های منفی ما (که همه ملت‌ها از این قبیل نقاط ضعف دارند) ذهنیت غلطی را به مردم جهان بقبولانند، آن مردم چه تقصیری دارند؟!

بعضی از آنها با این تصور که ایران شبیه افغانستان است، سؤال می‌کنند وقتی به خیابان می‌روید، مجبورید صورتتان را بپوشانید؟

برخی می‌پرسند مردم شما در خیابان‌ها هم با اسلحه راه می‌روند و با دیگران می‌جنگند؟ حتی کسانی می‌پرسند شما برای رفت و آمد شتر سوار می‌شوید؟ (برای من بسیار تعجب‌آور بود که یکی از افراد اصلاً نشنیده بود که دینی به نام اسلام و

جامعه ماکه به دلیل صعود مداوم قیمت هاتمین بهای یک دست لباس معمولی زنانه گاهی مساوی است با دستمزد یک هفته یک مرد!

بیشترین نکته ای که آدم های آن سر دنیا در مورد ما می گویند و بر آن تکیه می کنند، کمبود آزادی در ایران است. گاهی از آنها سؤال می کنم، آیا منظور شما، فقط آزادی جنسی است؟ پاسخ اکثر آنها به این سؤال منفی است. در یک مورد از یکی از آنها پرسیدم اگر امروز به وسط خیابان بروید و مثلاً بگویید مرگ بر رییس جمهور، چه می شود؟ پاسخ این بود: هیچ. دوباره سؤال را تکرار کردم. اما دوباره همان پاسخ را دادند (دقیقاً این کلمه 'Nothing') پرسیدم چطور؟ گفتند این ابراز نظر است و برای ابراز نظر همه آزادند، مگر اینکه کسی بخواهد به طور عملی به جان رییس جمهور صدمه ای بزند و گر نه هیچ اتفاقی نمی افتد. اما آیا به راستی در این کشور که زمانی مهد تمدن نام داشته، آزادی وجود دارد؟ البته بسیاری از آزادی های موجود در غرب از نظر ما اشاعه فساد است. به عنوان نمونه ما نمی توانیم بپذیریم زن شوهرداری که از مرد دیگری خوشش می آید، قبل از اینکه رسماً از او جدا شود، با مرد دوم ارتباط برقرار کند. البته عکس این موضوع، هم در آمریکا مصداق دارد و هم در ایران. در ایران این موضوع که مرد زن دار به دنبال زن دیگری می رود، تقریباً پذیرفته شده است و کسی آن مرد را فاسد نمی نامد که البته بعضی مردها (چنانکه در یک فیلم سینمایی نیز واقعیت های جامعه ما نشان داده شد) فوری به قول خودشان تا احتمال به گناه افتادن می دهند یا چند کلمه، صیغه ای جاری می کنند و به جفایی که به همسر خود می کنند، صورت شرعی می دهند. طبق قانون نیز (همانگونه که وکلای دادگستری هم تأیید می کنند) در صورتی که زنی متوجه شود شوهرش زن دیگری را صیغه

کرده، نمی تواند علیه او شکایت کند. شکایت فقط زمانی قابل طرح است که مرد بخواد زن دومی را به عقد دائم خویش درآورد، نه صیغه (حتی اگر صیغه ۹۹ ساله باشد!).

در یکی از این جت ها از من سؤال شد مگر اصلاً شما زنان را به حساب می آورند؟ از خانه بیرون می روید؟ اصلاً در کجا انگلیسی یاد گرفته ای؟ مگر مردها به شما اجازه رفتن به جایی می دهند؟ چرا آنها در مورد زنان ما چنین تفکری دارند؟ رایج ترین سؤالی که در این جت ها مطرح می شود راجع به زنان و حقوق و آزادی آنهاست، حتی بسیاری از من می پرسند تو چطور جت (chat) می کنی؟ شوهرت اجازه می دهد؟ چطور درس خوانده ای؟ مگر در ایران زنان حق این کارها را دارند؟ این پرسش ها از کجا به ذهن آنها آمده است؟ از تبلیغات غلط دولت ما، یا از واقعیت ها و عملکرد مردان؟

البته در این گپ اینترنتی نکات دیگری نیز مورد توجه قرار می گیرد. بعضی از آدم ها از سر ناامیدی و فقط به این دلیل به جت روی می آورند که با جت کردن، آدم مناسب حال خود را پیدا کنند. (حتی مردان متأهل) گروهی که بیشتر آنها متأسفانه ایرانی هستند، از امکانی که دولت یا اداره و شرکتی که در آن کار می کنند، در اختیار آنها قرار داده، سوء استفاده می کنند، به اسم کار و اضافه کاری، وقت دزدی کرده و جت می کنند.

بعضی از آدم ها با جت کردن به دنبال فرد مناسب برای ازدواج و یا پیدا کردن دوست پسری یا دختر هستند که این موضوع در میان ایرانی ها نیز بسیار رواج دارد.

گروهی نیز (که متأسفانه باز هم بیشتر در مورد ایرانیان مصداق دارد) به اصطلاح به دنبال خالی بندی و سرهم کردن دروغ های بزرگ و کوچک هستند و سعی می کنند ضعف ها و خلاء های

خود را در اینترنت پنهان کنند. حتی گاهی دو نوع Profile (شرح حال) برای خود می سازند که یکی راست است، اما دیگری به دلایلی به دروغ جواب داده شده (مثلاً مردی از من متأهل، خود را مجرد معرفی کرده است) حالا دلیل این کار چیست؟ الله اعلم. لابد مثل همه کارهای ما ایرانیان، دلیل موجه و خداپسندانه ای دارد!

به هر حال جت، دنیای پیچیده ای است که در آن هم زشتی وجود دارد و هم زیبایی. اگر با چشم و گوش باز و درک درست و هدف روشن در آن سیر کنیم (نه اینکه مثل بعضی از دختر خانم های ایرانی ملعبه دست افرادی شویم که ظاهراً خود را دکتر، مهندس و علاقمند به ازدواج با آنان نشان می دهند) با ناشناخته های بسیاری آشنا می شویم و بسیار می آموزیم. اما اگر برای هوا و هوس از آن استفاده کنیم، ممکن است به سرنوشتی مشابه سرنوشته آن دختری دچار شویم که گول حرف های پسری را خورد که خود را تحصیلکرده، پولدار و آماده ازدواج معرفی کرده بود، اما بعد معلوم شد که این آقا پسر با بیشتر دخترانی که در جت آشنا می شود، همین معامله را می کند.

به هر حال همه، مخصوصاً دختران و پسران جوان در صورتی که مایلند پا به این دنیای بزرگ بگذارند، باید با چشم و گوش باز عمل کنند و مواظب باشند که ملعبه دست دروغگویان و افراد ناصالح قرار نگیرند. سازمان های فرهنگی کشور نیز باید در مورد این پدیده جدید، با دقت و وسواس بیشتری اقدام به مطالعه و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن کنند. این شناسایی اجازه می دهد خانواده های ایرانی از امکان یک آموزش منطقی برای استفاده از امکانات اینترنت - از جمله Chat - برخوردار شوند.

به نوشت:

۱- گزارش شماره ۳۹- صفحه ۳۹

آرامکس
ARAMEX

International Courier & Cargo

حمل و نقل هوایی بین المللی

E-mail: aramex_tehran@hotmail.com

تلفن: ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶